

سیدکمال خرازی^۱

مطالعه مربوط به انرژی برای همه کشورها دارای ضرورت راهبردی می‌باشد. انرژی محور اصلی توسعه و پیشرفت جوامع بشری است، به همین دلیل باید با حساسیت بیشتری نسبت به گذشته در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی پیگیری شود. طبق پیش‌بینی‌های متعدد توسط آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف انرژی تا سال ۲۰۲۰ رشد جهشی خواهد داشت و به حدود ۱۲۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در چنین وضعیتی توجه به آینده منابع انرژی و چگونگی ساماندهی تولید، انتقال و مصرف آن به عهده همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز که در آن منابع قابل توجهی نفت و گاز وجود دارد می‌تواند بخش مهمی از انرژی مورد نیاز جهان را در سالهای آینده تأمین کند. البته این کار جز با اتخاذ یک سیاست مناسب در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای برای بهره‌برداری بهینه از منابع و خطوط انتقال انرژی و برتری دادن منافع بلندمدت به منافع زودگذر و کوتاه مدت امکان‌پذیر نخواهد شد. نکته مهم دیگر که در خور توجه است، تولید و انتقال نفت و گاز حوزه خزر می‌باشد که نه تنها برای کشورهای منطقه، بلکه برای دیگر کشورها نیز با اهمیت شمرده می‌شود. در این راستا ضروری است تا عوامل جغرافیایی، اقتصادی و امنیتی در انتقال انرژی با نگاهی واقع‌گرایانه و با رجحان منافع ملی به ملاحظات سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

در ابتدا به تمامی شما میهمانان گرامی و شرکت‌کنندگان در همایش خیرمقدم گفته، مراتب خشنودی خود را از حضور شما در دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز که با موضوع «آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی» برگزار می‌شود ابراز می‌دارم و از معاونت آموزش و پژوهش و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی که با انتخاب شایسته‌ای «آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی» را موضوع اصلی این همایش قرار داده‌اند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

۱. متن سخنرانی دکتر سید کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مراسم افتتاحیه همایش «آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی» است.

امروزه در سراسر جهان مباحث مربوط به انرژی با حساسیت بیشتری نسبت به گذشته در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی پیگیری می‌شود. اهمیت این مباحث روز به روز در حال افزایش بوده و مطالعات مربوط به آن برای تمامی کشورها از ضرورت راهبردی خاص برخوردار است. دلیل اصلی این امر آن است که انرژی محور اصلی توسعه و پیشرفت جوامع بشری را تشکیل داده و رشد منطقی این جوامع بدون انرژی غیرممکن خواهد بود.

یکی از مباحث مورد توجه در مطالعات انرژی پیش‌بینی جامع امور مربوط به منابع، تولید، مصرف، قیمت و راههای انتقال انرژی در آینده است. در همین راستا پیش‌بینی‌های متعددی توسط مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی معتبر دنیا از جمله آژانس بین‌المللی انرژی برای مصرف انرژی تا سال ۲۰۲۰ انجام شده است. براساس این مطالعات مصرف انرژی تا سال ۲۰۲۰ رشد جهشی خواهد داشت و به حدود ۱۲۳ میلیون بشکه در روز در سالهای ۲۰۲۰ - ۲۰۲۵ خواهد رسید.

در این پیش‌بینی‌ها سه دلیل عمده برای افزایش تقاضای حامل‌های انرژی ذکر شده است:

۱. افزایش روند مصرف کشورهای صنعتی توسعه یافته.

۲. افزایش مصرف کشورهای روبه توسعه و ورود هند، چین و جنوب شرق آسیا به بازار مصرف با توجه به روند تحول صنعتی این کشورها؛

۳. افزایش مصرف انرژی در کشورهای تولیدکننده انرژی.

نکته در خور توجه آن است که این مقدار افزایش مصرف در شرایط عادی و بدون توجه به تأثیرات عینی و روانی بحرانهای بین‌المللی بر روند تولید و مصرف انرژی محاسبه شده و بی‌شک بروز عوامل پیش‌بینی نشده وضعیت تولید و مصرف انرژی را متحول خواهد ساخت. تجربه این اصل را به اثبات رسانیده که احتمال وقوع بحران، موجب افزایش تقاضای انرژی و قیمت آن خواهد شد.

در چنین وضعیتی توجه به آینده منابع انرژی و چگونگی سامان‌دهی تولید، انتقال و مصرف آن مسئولیت مشترک تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی محسوب می‌شود. پس از بیش از سه دهه سیاستگذاری در زمینه کارایی انرژی و صرفه‌جویی‌ها در جهان توسعه یافته (یعنی سیاست‌های سمت تقاضا) نفت و بعد از آن گاز اصلی‌ترین منابع تولید انرژی جهان محسوب می‌گردند و سایر منابع انرژی در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. واقعیت اصلی علی‌رغم تبلیغات وسیع مصرف‌کنندگان آن است که یک افق زمانی برای عرضه جایگزینی مناسب نفت و گاز در امنیت انرژی جهان وجود نداشته و اهمیت راهبردی نفت و گاز همچنان پابرجا خواهد بود.

آنچه که باید در این سیر مورد توجه ویژه قرار گیرد آن است که همواره شکست کشورهای صنعتی از سمت تقاضا علی‌رغم تأکید آنان بر نقش مکانیزم بازارها و نرم‌های بین‌المللی، انگیزه مداخله مستقیم از سمت عرضه را که در بسیاری موارد نیز از عقلانیت حداقل برخوردار نبوده به شدت تقویت و تشویق نموده است.

نگاهی اجمالی به وضعیت تعامل موجود بین کشورهای صنعتی و پیشرفته که مصرف‌کنندگان اصلی نفت و گاز هستند با کشورهای دارنده منابع نفت که تولیدکننده نفت و گاز محسوب می‌شوند، این نکته را روشن می‌سازد که کشورهای دارای منابع انرژی همواره شاهد اعمال نفوذ کشورهای صنعتی در سیاستگذاری‌های مربوط به تولید، استخراج، صدور و قیمت انرژی بوده‌اند.

از سوی دیگر جغرافیای مناطق نفت خیز جهان هم با جغرافیای بحران‌ها منطبق است. مصرف‌کنندگان عمده نفت قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان خواستار جریان عادی و امن انرژی هستند و برای تأمین نیاز خود راهبردهای تأمین انرژی را تدوین کرده‌اند. در این راهبردها که تأمین امنیت انرژی قدرتهای بزرگ اقتصادی با امنیت و حاکمیت کشورهای نفت خیز پیوند خورده است، دولت‌ها و ملت‌های مناطق نفت خیز نه به عنوان صاحبان اصلی منابع انرژی، بلکه به

عنوان تأمین‌کنندگان نیازهای کشورهای صنعتی شناسایی می‌شوند. براساس این راهبردها کشورهای تولیدکننده نفت در جایگاه تصمیم‌گیری در مورد منابع خود قرار نداشته و این بورسهای بین‌المللی و بازارهای کشورهای مصرف‌کننده هستند که سرنوشت جریان تولید و مصرف نفت را تعیین می‌کنند به همین دلایل است که مناطق نفت‌خیز جهان با بحران‌هایی روبرو هستند که از اجرای این راهبردها بر آنها تحمیل می‌شود.

آنچه امروز در عراق شاهد هستیم یکی از نمونه‌های مشخص اجرای راهبردهای ذکر شده است.

منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز که در آن منابع قابل توجهی نفت و گاز وجود دارد می‌تواند بخش مهمی از انرژی مورد نیاز جهان را در سالهای آینده تأمین کند. استقلال جمهوری‌های دارنده منابع انرژی در حوزه خزر، این فرصت را هم برای ملتهای آنان و هم برای کشورهای نیازمند انرژی فراهم ساخته تا در صورت داشتن یک برنامه اصولی در زمینه تولید، انتقال و مصرف، رفاه و سعادت را برای هر دو جانب فراهم سازند. این کار جز با اتخاذ یک سیاست مناسب در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای برای بهره‌برداری بهینه از منابع و خطوط انتقال انرژی و برتری دادن به منافع بلندمدت کشورها بر منافع زودگذر و کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نخواهد شد. توجه به این مهم ضروری است که تولید و انتقال نفت و گاز حوزه خزر علاوه بر کشورهای منطقه برای دیگر کشورها اعم از تولیدکننده یا مصرف‌کننده با اهمیت شمرده می‌شود. به لحاظ منطقه‌ای، تولید و انتقال نفت و گاز در رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال و همچنین تحولات سیاسی-اجتماعی کشورهای حاشیه دریای خزر نقش به‌سزایی دارد. در این راستا ضروری است تا عوامل جغرافیایی، اقتصادی و امنیتی در انتقال انرژی با نگاهی واقع‌گرایانه و با رجحان منافع ملی به ملاحظات سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. این امر افزون بر تأمین منافع کشورهای منطقه، سبب همگرایی و افزایش همکاری‌های مشترک خواهد شد. برتری بسیار مهم مسیر انتقال انرژی دریای خزر از طریق ایران (صرفنظر از ارزانی، امنیت و کوتاهی مسیر) نسبت به

دیگر مسیرهای موجود یا در حال ساخت یا مطالعه، این است که مناطق شمالی ایران، صرفاً یک مسیر ترانزیت تلقی نشده بلکه بازار مصرفی مطمئن و با ثبات برای نفت این حوزه دریای خزر محسوب می‌شوند.

افتتاح موفقیت‌آمیز خط لوله نکا - ری و سواپ نفت و مشاهده استقبالی که کشورهای دیگر از این مسیر کرده‌اند و مزیت، صرفه اقتصادی و هزینه‌های انتقال بسیار پایین و کاملاً رقابتی آن نسبت به دیگر مسیرها، جمهوری اسلامی ایران را به اجرای مراحل بعدی این طرح و همچنین مطالعه در خصوص طرحهای دیگر ترغیب نموده است.

دریای خزر وضعیت شکننده و منحصر به فردی به‌ویژه از بُعد زیست محیطی دارد. در خزر، بزرگترین دریاچه جهان، منابع آبی بی‌نظیری وجود داشته و حیات و معیشت بسیاری از ساحل‌نشینان به این دریا وابسته است. این امر توجه خاص به مسائل زیست محیطی در مجموعه فعالیتهایی را که در این دریا صورت می‌گیرد الزام‌آور می‌سازد.

تلاش کشورهای ساحلی برای حل و فصل مسایل دریای خزر در سالهای اخیر چشمگیر بوده است. برگزاری اجلاس سران در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ و اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی خزر در فروردین ۱۳۸۳ در این راستا قابل ذکر است. همچنین گروه ویژه کاری تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر نیز در سالهای گذشته نشستهای منظمی را برگزار کرده و در برخی موارد پیشرفتهای چشمگیر داشته‌اند. امضای کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر در آبان ماه ۱۳۸۲ در تهران از سوی پنج کشور ساحلی خزر از دیگر دستاوردهای قابل ذکر است.

جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از روند حل و فصل مسالمت‌آمیز مسایل دریای خزر بر ضرورت نیل به توافقی جامع که دربرگیرنده منافع همه کشورهای ساحلی و تأمین‌کننده مصالح بلندمدت منطقه باشد، تأکید دارد.

توجه بیش از حد به استفاده سریع از منابع هیدروکربنی حوزه خزر موجب شده است تا

ظرفیت‌های موجود منطقه در حوزه انرژی‌های دیگر مانند انرژی الکتریکی و هیدروالکتریکی، انرژی‌های خورشیدی، زمین‌گرمایی، باد و هسته‌ای کمتر مورد توجه قرار گیرد. در حالی که وضعیت منطقه به صورتی است که امکان شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای در تمامی زمینه‌های یاد شده وجود دارد. در این راستا اتصال شبکه‌های برق کشورهای منطقه به یکدیگر و استفاده از اختلاف مصرف کشورها در فصول مختلف سال و همچنین استفاده از اختلاف ساعت کشورها موجب استفاده بهینه کشورها از ظرفیتهای موجود بدون نیاز به سرمایه‌گذاری جدید خواهد شد.

همکاری‌های منطقه‌ای در تولید و مصرف انواع مختلف انرژی و تلاش برای استفاده بهینه از منابع هیدروکربنی منطقه یکی از راه‌کارهای حائز اهمیت در برنامه‌های توسعه منطقه به شمار می‌آید. وجود سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو و فعال‌سازی امور مربوط به انرژی در این سازمان فرصت با ارزشی در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد.

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم برخورداری از منابع غنی نفت و گاز با علم به پایان‌پذیری منابع مزبور و با هدف متنوع‌سازی منابع انرژی مصرفی خود و بهره‌گیری از تکنولوژی انرژی‌های نو و تجدیدپذیر مطالعات و سرمایه‌گذاری مناسبی را در این خصوص به انجام رسانده است. همچنین موضوع کارایی انرژی و بهره‌وری مناسب از انرژی تولید شده مورد توجه جدی قرار گرفته است. تبادل دانش فنی و تجربیات حاصله فی‌مابین کشورهای منطقه می‌تواند کمک به‌سزایی در توسعه انرژی‌های فوق‌الذکر در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نماید.